

دیپلماسی دیجیتال:

بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا درباره برجام در بستر توئیتر

سعید منصوریان^۱، محمدحسن خانی^۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا در قبال برجام در بستر توئیتر می‌پردازد. اهمیت این موضوع از یکسو به برجام، به‌عنوان توافقی بین‌المللی و از سوی دیگر به جایگاه دیپلماسی عمومی و نقش توئیتر بازمی‌گردد. هدف از نگارش این مقاله، فهم تفصیلی تأثیر رویکردهای حزبی بر موضع‌گیری در حوزه سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران با محوریت برجام است. برای دستیابی به این هدف، توئیتهای ۹ عضو برجسته از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات که فعالیت توئیتری جدی دارند، از ابتدای ژانویه ۲۰۱۵ میلادی تا انتهای دسامبر ۲۰۱۹ میلادی پیرامون برجام با روش تحلیل مضمون مطالعه شدند. سپس مضامین استخراج شده از این توئیتهای در قالب سه نوع مضمون پایه، سازمان دهنده و فراگیر دسته‌بندی شدند. آنچه به‌عنوان یافته پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد، شباهت دو حزب مذکور در سیاست‌های کلان در خصوص ایران و تفاوت آن‌ها در موافقت یا مخالفت با برجام به‌عنوان تاکتیک حزب دموکرات است. بر همین اساس نیز نمی‌توان برجام را به‌عنوان توافقی بلندمدت به رسمیت شناخت و لازم است تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی در ایران پیشبرد این حوزه را منوط به برجام نکرده و به سایر گزینه‌ها نیز بیندیشند. در نهایت به‌نظر می‌رسد که استفاده از توئیتر نقش مهمی در تلاش اعضای هر دو حزب سیاسی اصلی ایالات متحده برای ارتباط با مخاطبان خود در خصوص برجام داشته است.

واژه‌های کلیدی: احزاب جمهوری خواه و دموکرات، دیپلماسی دیجیتال، توئیتر، برجام، بررسی تطبیقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است که با راهنمایی نویسنده دوم نگاشته شده است.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. saeedmansourian75@gmail.com

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسؤل). mhkhani@yahoo.com

DOI: 10.22034/IMRL.2023.376785.1157

مقدمه

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به دلایل متعددی از جمله دور بودن از فضای جنگ توانست خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل مطرح نماید. همین امر سبب اهمیت یافتن سیاست خارجی این کشور در برابر سایر کشورها شد و به‌دنبال این موضوع نیز سایر کشورها سعی در تنظیم مناسبات خود با این کشور داشتند. موضوعی که شاید در چند دهه قبل از جنگ جهانی دوم برای سایر کشورها به‌صورت جدی مطرح نبود. به همین دلیل نیز دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی آمریکا اهمیت بسیاری پیدا کرد و نقشی جدی و مؤثر در پیشبرد اهداف آمریکا ایفا نمود.

نهادهای متعددی از قبیل وزارت امور خارجه و کنگره نقشی تعیین‌کننده و مستقیم در سیاست خارجی آمریکا ایفا می‌کنند. در این میان نیز ساختارهایی نظیر احزاب به‌صورت غیرمستقیم و بیشتر از طریق تأثیر بر رویکرد کنشگران اصلی سیاست خارجی آمریکا به ایفای نقش می‌پردازند. بر همین اساس، رویکرد حزبی نقشی حساس و تعیین‌کننده در مواضع سیاست-مداران آمریکایی داشته و لازم است مورد بررسی قرار گیرد. از همین رو بررسی مواضع دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در قبال ایران با محوریت برجام^۱ مسئله این مقاله را شکل می‌دهد.

برجام را می‌توان مهم‌ترین موضوع در مناسبات میان ایران و آمریکا طی دو دهه اخیر به حساب آورد. علت اهمیت این موضوع برای ایران رسیدن به راهکاری برای رفع تحریم‌ها و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی این سند است. برجام در سیاست خارجی آمریکا نیز جایگاهی ویژه دارد و محل اختلاف جدی دو حزب محسوب می‌شود. در حالی که حزب دموکرات آن را دستاورد بزرگی در راستای کنترل ایران می‌داند، حزب جمهوری خواه با رویکردی منفی به برجام می‌نگرد و آن را به‌عنوان امتیازی بزرگ برای ایران محسوب می‌کند.

در کنار اهمیت برجام برای دو کشور، این توافق در نظام بین‌الملل نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. پس از حدود ده سال گفتگو و مذاکره میان کشورهای ۵+۱ با ایران، در نهایت سندی موسوم به برجام در تاریخ ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۱۵ میلادی منعقد شد و ایران علیرغم تقابل با برخی از کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا به متنی مشترک با آن‌ها دست یافت. در عین حال عمر این توافق نامه طولانی نبود و فقط پس از چند سال با خروج آمریکا از آن (در تاریخ هیجدهم اردیبهشت ۱۳۹۷ شمسی مصادف با هشتم می ۲۰۱۸ میلادی) عملاً نقض شد. از دیگر دلایل

۱. برنامه جامع اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action)



اهمیت برجام، تجربه‌ای است که در فرایند انعقاد و اجرای این موافقت‌نامه به‌دست آمده است. بررسی این تجربه مهم با تأکید بر اختلافات حزبی در آمریکا می‌تواند به روشن شدن اقدامات و سیاست‌های آینده ایران در قبال آمریکا کمک فراوانی رساند.

انتخاب توئیتر به‌عنوان بستری رسانه‌ای برای اعلام مواضع و رویکردهای حزبی، موضوعی است که در چند سال اخیر، مخصوصاً از سوی سیاست‌مداران آمریکایی مورد توجه قرار گرفته است. لذا، در میان منابعی که در این پژوهش می‌توان با توجه به آن‌ها مواضع این دو حزب را استخراج کرد، توئیتر انتخاب شد. بر این اساس، اعضای شاخص دو حزب مذکور که مواضع آن‌ها مواضع حزب محسوب می‌شود، شناسایی شدند و توئیتهای آن‌ها بررسی و تحلیل شد. علت انتخاب توئیتر اهمیت دیپلماسی دیجیتال و همچنین اهمیت این شبکه اجتماعی در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما^۱ و دونالد ترامپ^۲ است؛ به نحوی که اغلب سیاست‌مداران آمریکایی این بستر را در کنار سایر بسترها برای اعلام مواضع سیاسی خود انتخاب می‌کنند. علاوه بر این مورد، شفافیت این شبکه اجتماعی امکان دستیابی به مواضع صریح دو حزب را ممکن و اختلافات میان دو حزب را بیشتر نمایان می‌کند. بر همین اساس، سؤال اصلی مقاله را می‌توان اینگونه بیان کرد: «تفاوت‌ها و شباهت‌های مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات در قبال برجام در بستر توئیتر شامل چه مواردی می‌شود؟»

مسئله اصلی که در این مقاله مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت کیفیت صورت‌بندی و تحلیل برجام در بستر توئیتر از سوی دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به‌صورت تطبیقی است. بر همین اساس نیز چند مؤلفه درهم آمیخته می‌شود و مسئله این پژوهش را شکل می‌دهد. حذف هر یک از این مؤلفه‌ها نتایج مورد انتظار را محقق نمی‌کند و دقت پژوهش را کاهش می‌دهد.

در کنار انتخاب توئیتر، برجام و انعقاد آن نیز به‌عنوان موضوع پژوهش و مهم‌ترین رویداد در مناسبات میان ایران و آمریکا در دو دهه اخیر حائز اهمیت فراوان است. بررسی تطبیقی مواضع دو حزب اصلی آمریکا نیز از آن جهت که سازنده تصمیمات حوزه سیاست خارجی با ایران هستند، اهمیت فراوانی دارد. مجموع این عناصر مسئله پژوهش حاضر را شکل می‌دهد و وجهی نوآورانه به آن می‌بخشد. شناخت بیشتر دیپلماسی دیجیتال و نقش آن در سیاست خارجی از نتایج

1. Barack Obama
2. Donald Trump

نظری این پژوهش و شناخت دقیق مواضع دو حزب آمریکایی پیرامون برجام به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح در این زمینه، از نتایج عملی پژوهش حاضر است.

پیشینه پژوهش

مقالات متعددی پیرامون سیاست خارجی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران نگاشته شده است. در هر یک از این مقالات رویکردی خاص یا موضوعی مشخص در سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. نکته مهم در این مقالات محوریت برنامه هسته‌ای ایران است که سال‌ها به‌عنوان مسئله‌ای چالشی در سیاست خارجی آمریکا مطرح شده و واکنش‌های مختلفی در خصوص آن ابراز گردیده است. در میان مقالات موجود پنج مقاله زیر در چارچوب عنوان تحقیق قرار می‌گیرند و لازم است به آن‌ها اشاره شود.

جدول ۱. مقالات موجود پیرامون سیاست‌ها و مواضع حزبی در قبال برجام

ردیف	عنوان	نویسندگان	سال	محور اصلی
۱	سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دموکرات‌ها	اسماعیلی، نوری	۱۴۰۰	سیاست دموکرات‌ها در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران
۲	راهبرد سیاست خارجی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران	اخوان، یزدانی، امیدی	۱۳۹۷	سیاست ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران
۳	تحلیل مضمون توثیتهای ترامپ درباره برجام به‌منظور ارائه الگوی دیپلماسی توثیتری ترامپ	سعیدزاده، گودرزی، تقی‌پور	۱۴۰۰	رویکرد توثیتری ترامپ در قبال برجام
۴	توثیتر و دیپلماسی تحول‌آفرین: رسانه‌های اجتماعی و روابط ایران و آمریکا	دانکام ^۱	۲۰۱۷	نقش رسانه‌های اجتماعی در مناسبات میان ایران و آمریکا
۵	دیپلماسی دیجیتال: پیشرفت توثیتری بین روابط ایران و آمریکا در توافق برجام	نورالامیره بینتی ^۲ محد ^۲	۲۰۱۹	مباحثه هسته‌ای ایران و آمریکا با محوریت توثیتر

1. Constance Duncombe
2. Yunos, Nurul Amirah Binti Mohd



با توجه به این مقالات سه مورد زیر را می‌توان به‌عنوان وجوه نوآورانه پژوهش مطرح کرد: **بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات:** در هیچ کدام از مقالاتی که در پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره شد، مواضع دو حزب به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. در این مقالات تنها سیاست دموکرات‌ها مورد توجه قرار گرفته یا راهبرد سیاست خارجی ترامپ، به‌عنوان رئیس جمهوری از حزب جمهوری خواه، بررسی شده است.

بررسی محتوای توئیت‌های اعضای شاخص دو حزب: در بعضی مقالات مذکور اگرچه به نقش توئیت اشاره شده است اما محتوای توئیت‌های دو حزب در موضوع برجام مورد بررسی تطبیقی قرار نگرفته است. بر همین اساس نیز توئیت به‌عنوان متغیری مهم مورد توجه قرار گرفته است و مواضعی که در این بستر وجود داشتند در پژوهش‌های موجود بررسی نشده‌اند.

دستیابی به نتایج شکلی و محتوایی به‌صورت توأمان در سیاست خارجی آمریکا: مورد دیگری که می‌توان از آن به‌عنوان وجه نوآورانه این مقاله یاد کرد، دستیابی به نتایجی در دو سطح شکلی و محتوایی است. مقصود از نتایج شکلی کیفیت و قالبی است که دیپلماسی در آن جریان می‌یابد و می‌تواند شامل طیفی از ابزارهای سخت و نرم شود. در این زمینه مقالات موجود یا اشاره‌ای به این سطح نداشته‌اند و یا تنها همین سطح را مورد توجه قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه اشاره به اهمیت دیپلماسی دیجیتال و بستر توئیت در همین راستا قابل تحلیل است. مقصود از نتایج محتوایی نیز جهت‌گیری‌ها و رویکردهایی است که در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد. مقالاتی در این زمینه نیز وجود دارند که تنها به جهت‌گیری‌ها پرداخته و ابعاد شکلی را مورد توجه قرار نداده‌اند. در این مقاله سعی بر آن بوده است که سطح شکلی و محتوایی به‌صورت توأمان مورد توجه قرار گیرند.

۱. چارچوب نظری

در این بخش ابتدا «نظریه چشم‌انداز»^۱ توضیح داده می‌شود. پس از آن دیپلماسی دیجیتال به‌عنوان گونه‌ای از دیپلماسی که امروزه کاربرد فراوان دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته مهم در بررسی دیپلماسی دیجیتال اهمیت فناوری ارتباطات و فضای مجازی است که باعث گستردگی دامنه این نوع دیپلماسی می‌شود. در پایان نیز به توئیپلماسی یا دیپلماسی توئیتری به‌عنوان محور اصلی بررسی مواضع دو حزب پرداخته می‌شود.

۱-۱. نظریه چشم‌انداز

«نظریه چشم‌انداز» ذیل رویکردهای ادراکی، شناختی و روان‌شناسانه در سیاست خارجی قرار می‌گیرد و برای شناخت نظام حزبی آمریکا که افراد نقش ویژه‌ای در آن ایفا می‌کنند، قابلیت بهره‌گیری فراوانی دارد. بر اساس این نظریه سیاست خارجی یک کشور به فرایندهای ادراکی فرد تصمیم‌گیرنده بازمی‌گردد. این امر نشان از اهمیت فرایندهای روانی و ادراکی در ساخت سیاست خارجی یک کشور دارد. ویژگی‌های فردی شخص تحت شرایط خاصی (استرس زیاد، عدم اطمینان بالا، موقعیت مسلط رئیس دولت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی) می‌تواند در درک انتخاب سیاست خارجی بسیار حیاتی باشد (اسمیت و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲). چارچوبی که به مواضع افراد مختلف و مخصوصاً نخبگان سیاسی یک کشور در راستای تحلیل، موضع‌گیری و اتخاذ تصمیم در حوزه سیاست خارجی به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه شکل می‌دهد در رویکردهای روان‌شناختی و ادراکی اهمیت دارد. بر این اساس، تنها نمی‌توان به ساختارهای جمعی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بسنده کرد و از این منظر نمی‌توان به تعمیم دیدگاه یک فرد به افراد دیگر در این عرصه مبادرت نمود. تصمیم‌گیری عقلانی یا هیجانی، فرایندهای فردی مؤثر در تصمیم‌گیری و مؤلفه‌های مهم فردی در این دیدگاه، اهمیت بسزایی دارند (Smith and others, 2008: 143-145).

هر تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار تصور خاصی از جهان، نظام بین‌الملل و کشورهای مختلف دارد که به وسیله تفسیر وی از حوادث و پدیده‌های واقعی شکل می‌گیرد. برخی از این وقایع در زمان حیات رهبران سیاسی و بعضی دیگر قبل از آن به وقوع پیوسته‌اند. درس‌هایی که رهبران از تاریخ می‌گیرند، در کنار تجربیات شخصی آنان، به شکل‌گیری اعتقادات و باورهای خاصی پیرامون چگونگی عملکرد نظام بین‌الملل می‌انجامد. این باورها و اعتقادات که تأثیر بسزایی بر تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست خارجی دارد، به سختی قابل تغییر هستند و ثباتی نسبی بر آن‌ها حاکم است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۲).

نظریه چشم‌انداز از جمله نظریات جدید در حوزه سیاست خارجی است. بر اساس این نظریه، مردم تمایل دارند تصمیمات خود را بر اساس ارزش‌های معینی اتخاذ و آن‌ها (ارزش‌ها) را به انتخاب‌های خاصی متصل کنند (Mansbach and Rafferty, 2008: 360). این نظریه ادعا می‌کند که وقتی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی موقعیت خود را سودمند تلقی می‌کنند، ریسک‌گریز و خواهان حفظ داشته‌های خود می‌شوند. در مقابل هنگامی که برداشت تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی حاکی از این است که در موقعیت شکست هستند، ریسک‌پذیر



می‌شوند و تلاش می‌کنند تا از طریق انجام اقدامات پر از ریسک، به فوایدی دست یابند و عملاً به نوعی قمار روی می‌آورند (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۳۸).

در خصوص تطبیق این نظریه با پژوهش حاضر باید گفت که مواضع دو حزب به‌منظور فهم چارچوب فکری آن‌ها پیرامون برجام مورد توجه قرار می‌گیرد. طبیعتاً تفاوت رویکرد دو حزب به تفاوت در اصول حزبی بازمی‌گردد و منجر به اختلاف آن‌ها در تصمیم‌گیری می‌شود. نکته اساسی در این زمینه تلقی متفاوت آن‌ها پیرامون جایگاه ایران در نظام بین‌الملل است و همین امر نیز در نگاه آنان موجب ارزش‌گذاری منفی یا مثبت بر برجام می‌شود. با توجه به خرد بودن و فردی - بودن این نظریه، محور اصلی بررسی‌ها مواضع سخن‌گویان، رؤسا و اعضای شاخص دو حزب پیرامون برجام است.

۲-۱. دیپلماسی دیجیتال

دیپلماسی دیجیتال^۱ از جمله مفاهیمی است که امروزه در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی کاربرد فراوان دارد. این مفهوم و اصطلاح، ابتکاری از جانب ویلسون دیزارد^۲ بود که آن را به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در سیاست تعریف می‌کرد. بر همین اساس دیجیتالی‌شدن در حوزه دیپلماسی به فرایندی گفته می‌شود که انسان از طریق ابزارها، فنون و رسانه‌هایی نظیر اینترنت، رایانه و پیام‌رسان‌ها به تولید و اشاعه نمادها و معانی در عرصه سیاست خارجی و مناسبات دیپلماتیک می‌پردازد (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳).

دیپلماسی دیجیتال ویژگی‌های متعددی دارد که از میان آن‌ها دو مورد زیر را می‌توان متناسب با بحثی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، بیان نمود:

۱. فرامکانی و فرازمانی: مقصود از این ویژگی آن است که بر خلاف سایر مدل‌های دیپلماسی، دیپلماسی دیجیتال به زمان یا مکانی خاص محدود نمی‌شود. این ویژگی باعث می‌شود مردم در سطحی جهانی به برقراری ارتباطاتی گسترده با یکدیگر بپردازند (A Green, 2022)؛

۲. عدم‌اتکا به دولت-ملت‌ها: مرزهای ملی بعد از قرارداد وستفاليا مبنایی برای شناسایی واحدهای سیاسی در روابط بین‌الملل قرار گرفت. با اهمیت یافتن ارتباطات مجازی و گسترش اطلاعات از طریق رسانه‌های جدید، رفته‌رفته واحدهای سیاسی تحت عنوان دولت-

1. Digital Diplomacy
2. Wilson Dizard

ملت، اهمیت سابق خود را از دست دادند. علت این موضوع دامنه وسیعی بود که تحت سیطره فضای مجازی و ابزارهای دیجیتال قرار می‌گرفت و به جغرافیای دولت-ملت محدود نمی‌شد (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

در این مقاله، دیپلماسی دیجیتال به‌عنوان گونه‌ای دیپلماسی که احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا از آن استفاده کرده‌اند مورد توجه قرار گرفته است. این نوع دیپلماسی مخصوصاً در دهه‌های اخیر که روابط بین‌الملل دچار تحولاتی در حوزه ارتباطات و رسانه شده از سوی سیاست‌مداران و احزاب آمریکایی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان ابزارهای متعددی قابل استفاده است؛ اما توئیتر جایگاهی ویژه داشته و در این متن به آن پرداخته شده است.

۳-۱. توئیلماسی

امروزه دیپلماسی عمومی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم، نقشی اساسی در شکل‌دهی و جهت‌دهی به سیاست خارجی دارد. این نوع دیپلماسی به‌واسطه آن که مردم را مخاطب خود قرار می‌دهد و شکل دادن به افکار عمومی را مد نظر دارد، مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. دولت‌ها در تلاش هستند با تأثیر و نفوذ بر افکار عمومی، نظر آنان را به سیاست‌ها، جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود جلب کنند و از این طریق منافع ملی خود را تأمین نمایند (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

در این زمینه استفاده از فناوری‌های جدید جهت اثرگذاری بر افکار عمومی نیز تحولی بزرگ در دیپلماسی عمومی ایجاد کرده است. توئیتر را می‌توان از جمله این فناوری‌ها دانست که امروزه نقشی مهم و حساس را در دیپلماسی عمومی ایفا می‌کند. امروزه توئیتر به‌صورتی گسترده از سوی رؤسای دولت‌ها، حکومت‌ها، وزاری خارجه و دیپلمات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Dumciuviene, 2016: 97). این امر مخصوصاً در دهه اخیر (۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰) شدت بیشتری گرفته است (Kafiliveyjuh, 2020). این نوع روش دیپلماسی که با عنوان «توئیلماسی» مطرح می‌شود، تا ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی مورد استفاده ۱۹۳ کشور عضو رسمی سازمان ملل متحد قرار گرفته است (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴).

در این راستا طبق تحقیقات به‌دست آمده، بیش از ۹۷ درصد سیاست‌مداران از ۱۹۳ کشور در سازمان ملل متحد، حساب رسمی در توئیتر دارند. تنها دولت‌های لائوس، موریتانی، نیکاراگوئه، کره شمالی، سوئیس و ترکمنستان در این صفحه حضور رسمی ندارند. حتی «دفتر اطلاعات



شورای دولتی» دولت چین حضور در توئیتر، فیسبوک و یوتیوب را حفظ می‌کند. در همین زمینه هفت سفارت چین و یک سفیر چین در توئیتر فعال هستند. پژوهش‌های توئیپلماسی در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد ۳۷۲ نفر از مقامات سیاسی و ۵۷۹ نفر از سران دولت‌ها، حکومت‌ها و وزرای خارجه از ۱۸۷ کشور، صفحه توئیتری دارند (Twiplomacy Study, 2018). دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق آمریکا، نقشی جدی در هدایت دیپلماسی به سمت توئیتر ایفا کرده است (Simunjak, 2017: 13).

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت امروزه توئیتر نقشی اساسی در دیپلماسی عمومی دارد و سیاستمداران استفاده قابل توجهی از آن به عمل می‌آورند. این استفاده تا حدی است که موجب شده روشی در دیپلماسی با عنوان توئیپلماسی مطرح شود و مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. مذاکرات هسته‌ای و برجام نیز در سال‌هایی انجام شده است که توئیتر نقشی جدی در دیپلماسی پیدا کرده است و به همین دلیل بررسی مواضع دو حزب در بستر توئیتر اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند.

۲. رویکرد حزب جمهوری خواه و دموکرات در قبال ایران و برجام

از جمله موضوعاتی که لازم است قبل از بررسی تطبیقی به آن اشاره شود رویکرد دو حزب در قبال ایران و برجام است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که فهم تفاوت‌ها و شباهت‌های مواضع دو حزب پیرامون برجام تا حدود زیادی به فهم رویکرد آن دو در قبال ایران بستگی دارد. اگرچه سیاست‌های کلان دو حزب در قبال ایران یکسان است؛ اما رویکرد دو حزب در قبال موضوعاتی مربوط به ایران همچون برجام، متفاوت بوده و این امر از مستندات و منابع موجود کاملاً قابل استنباط است. این امر نیز از تاکتیکی بودن برجام و اختلاف دو حزب در سطح تاکتیکی ناشی می‌شود.

۱-۲. حزب جمهوری خواه

حزب جمهوری خواه یکی از دو حزب قدرتمند آمریکا است که در سال ۱۸۵۴ میلادی شکل گرفت. این حزب طرفدار سیاست تهاجمی در عرصه خارجی است و به داشتن دیدگاه محافظه-کارانه شهرت دارد. اعتقاد به رهبری آمریکا در تمامی نقاط جهان، تلاش در راستای ممانعت از گسترش کمونیسم، ادعای جنگ علیه تروریسم بین‌المللی و ترجیح استفاده از قدرت سخت در سیاست خارجی از جمله ویژگی‌های مهم این حزب محسوب می‌شود (رضایی و نعمتی، ۱۳۹۵:

۳۷-۳۵). محورهایی که می‌توان به‌عنوان رویکرد حزب جمهوری‌خواه در قبال ایران و برجام مطرح کرد شامل موارد زیر است:

حمایت همه‌جانبه از رژیم شاهنشاهی: به‌طور کلی دولت آمریکا از حکومت رژیم پهلوی حمایت می‌کرد و در اصل حمایت از آن، میان دو حزب تفاوتی وجود نداشت. تفاوت در کیفیت و شدت حمایت بود که به نظر می‌رسید در مجموع حزب جمهوری‌خواه در این زمینه نسبت به حزب دموکرات پیشروتر بود. به‌عنوان نمونه در زمان ریاست جمهوری نیکسون^۱ روابط میان ایران و آمریکا چندان نزدیک بود که وی در ملاقات با شاه قول بی‌سابقه‌ای به او داد و گفت: «ایران می‌تواند هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی و غیرهسته‌ای را که مایل باشد از آمریکا خریداری کند» (رئیس طوسی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

اعتقاد به اولویت بهره‌گیری از ابزارهای سخت در قبال جمهوری اسلامی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد دولت آمریکا درباره ایران تغییر کرد و سیاستی خصمانه در برابر جمهوری اسلامی در پیش گرفته شد. حزب جمهوری‌خواه در قالب این سیاست خصمانه، بهره‌گیری از ابزارهای سخت را به‌عنوان اولویت مواجهه با ایران در دستور کار قرار داد. دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان^۲ را می‌توان به‌عنوان مثالی واضح در این زمینه بیان کرد. در این دوران نیروی دریایی آمریکا (بیست و نهم فروردین ۱۳۶۷ شمسی مصادف با هیجدهم آوریل ۱۹۸۸ میلادی) در نزدیکی تنگه هرمز با کشتی‌های جنگی ایران وارد درگیری شد و سه کشتی ایرانی را غرق کرد و ناوچه‌های سهند و سبلان را از کار انداخت. هم‌چنین آمریکا (در دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ شمسی مصادف با سوم ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی) با شلیک دو فروند موشک از ناو وینسنس^۳، هواپیمای مسافربری ایران را هدف قرار داد و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن را به شهادت رساند (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۷۴).

مخالفت با مذاکرات هسته‌ای و برجام: محور دیگری که حزب جمهوری‌خواه در راستای آن عمل و بارها آن را بیان کرده است مخالفت با مذاکرات هسته‌ای و برجام است. در این مقاله به مواضع اعضای این حزب پیرامون مخالفت با مذاکرات هسته‌ای و برجام اشاره خواهد شد. در این بخش تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که با روی کارآمدن ترامپ، آمریکا از برجام خارج شد و حزب جمهوری‌خواه مخالفت خود را در قالب اقدامی از

1. Richard Nixon
2. Ronald Reagan
3. Vincennes



سوی رئیس‌جمهوری منتخب خود عینیت بخشید. از منظر ترامپ برجام بدترین توافق در تاریخ آمریکا به حساب می‌آید (اخوان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۸).

۲-۲. حزب دموکرات

ریشه‌های آغاز فعالیت حزب دموکرات به بازه زمانی ۱۷۹۰ تا ۱۸۳۰ میلادی بازمی‌گردد. این حزب در آن دوران با عنوان جمهوری‌خواه-دموکرات فعالیت خود را آغاز کرد و پس از مدتی کوتاه با عنوان حزب دموکرات شناخته شد. ویژگی مهم این حزب نفوذ چشمگیری است که در میان طبقه کارگر، زنان و سیاه‌پوستان دارد. در حوزه اعلامی سیاست خارجی نیز از سیاست خارجی غیرتهاجمی حمایت می‌کند و معتقد است باید ارزش‌ها را از طریق قدرت نرم و مخصوصاً رسانه ترویج کرد. رویکرد حزب دموکرات در قبال ایران و برجام شامل موارد زیر می‌شود:

داشتن طیفی از روابط اختلافی و حمایتی از رژیم پهلوی: حزب دموکرات در

مجموع حامی محمدرضا پهلوی بود؛ اما اختلافاتی جدی نیز با حکومت وی داشت. این اختلافات مخصوصاً در دوران جیمز کارتر^۱ به اوج خود رسید و نتیجه آن سرد شدن روابط ایران و آمریکا بود. تصمیم بسیار مهمی که کارتر در آغاز زمامداری خود اتخاذ کرد، قطع صدور اسلحه به رژیم‌های دیکتاتوری و وابسته به آمریکا بود. او سعی کرد با رژیم‌های مترقی روابط حسنه برقرار نماید. فعالیت‌های کارتر در حوزه حقوق بشر به تدریج اثراتی بر رژیم‌های ارتجاعی مانند پهلوی بر جای گذاشت که نهایتاً باعث رنجش این نوع رژیم‌ها از آمریکا شد (یزدی، بی‌تا: ۴۴۲).

اعتقاد به اولویت بهره‌گیری از ابزارهای نرم در قبال جمهوری اسلامی: حزب

دموکرات بر خلاف حزب جمهوری‌خواه معتقد به اولویت بهره‌گیری از ابزارهای نرم نظیر گفتگو و مذاکره در قبال جمهوری اسلامی بوده است. فارغ از سیاست کلان خصمانه دو حزب که به وضوح در تمامی اقدامات آن‌ها دیده می‌شود؛ اما وقایعی وجود دارد که حاکی از توجه حزب دموکرات به ابزارهای نرم در قبال جمهوری اسلامی است.

به‌عنوان نمونه مادلین کرل آلبرایت^۲ وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا^۳ در دوران بیل کلینتون^۱ به‌عنوان یک دموکرات، اظهار داشت که ما بر اساس اظهارات رهبران ایرانی که آمریکا

1. James Earl Carter
2. Madeleine Korbelt Albright

۳. وزیر امور خارجه آمریکا از ۲۳ ژانویه ۱۹۹۷ تا ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱ میلادی

را به‌عنوان دشمن می‌شناختند، عکس‌العمل نشان دادیم و مجبور شدیم با ایران به‌عنوان یک تهدید رفتار کنیم. با این وصف پس از انتخاب خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور شروع به تغییر دیدگاه خود درباره ایران کردیم. ما تمایل خود را برای آغاز گفتگوهای رسمی با ایران بر مبنای اصول مورد نظر طرفین به صراحت بیان کرده‌ایم (آلبرایت، ۱۳۷۹: ۱۶۳-۱۶۲).

موافقت با مذاکرات هسته‌ای و حمایت از برجام: مذاکرات هسته‌ای در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، به‌عنوان یک دموکرات، به‌صورت جدی انجام گرفت و سرانجام نیز منجر به انعقاد برجام شد. حزب دموکرات و رئیس‌جمهوری منتخب آن به‌صورت جدی از این توافق حمایت کردند و با خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری بعدی از آن به مخالفت برخاست (اسماعیلی و نوری، ۱۴۰۰: ۲۸۰-۲۷۹).

روش پژوهش

«تحلیل مضمون»^۲ به‌عنوان روشی ذیل روش‌های پژوهش کیفی، در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. مقصود از مضمون در این روش، ویژگی تکراری و متمایز در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (King and Horrocks, 2010: 150). یک مضمون با توجه به جایگاهی که در شبکه مضامین دارد به سه دسته مضمون فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه تقسیم می‌شود. مضمون پایه مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب تعدادی از مضامین پایه می‌توان مضمون سازمان‌دهنده ایجاد کرد. مضمون سازمان‌دهنده واسط مضمون فراگیر و پایه است و مضمون فراگیر نیز در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد (Attride-Stirling, 2001).

جدول ۲. سطوح تحلیل مضمون

فراگیر	در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد.	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
سازمان‌دهنده	واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است.	
پایه	مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.	

1. Bill Clinton
2. Thematic Analysis



پژوهشگران علوم اجتماعی غالباً از تحلیل مضمون برای شناخت الگوهای کیفی و کلامی و تهیه کدهای مرتبط با آن‌ها استفاده می‌کنند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آن‌ها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد (Namey et al., 2007).

در این مقاله برای بررسی توثیتهای جمهوری خواهان و دموکرات‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. به همین منظور سه سیاست‌مدار از حزب دموکرات (باراک اوباما، جان کری و هیلاری کلینتون) و پنج سیاست‌مدار از حزب جمهوری خواه (دونالد ترامپ، جیمز ریش، باب کورکر، جان بونر و تدکروز) که عضو شاخص محسوب می‌شدند و در توثیتر فعالیت جدی داشتند انتخاب شدند. علت بهره‌گیری از مواضع اعضای شاخص را می‌توان در اهمیت بیشتر منبع شخصیتی و فردی در ساختار سیاسی آمریکا و محوریت نظریه چشم‌انداز که بر رویکردهای خرد و فردی متکی است، دانست. در ادامه با جستجوی کلیدواژه‌هایی نظیر Joint Comprehensive Plan of Action و Nuclear Deal در تمامی توثیتهای این سیاست‌مداران، موارد مرتبط با موضوع مورد پژوهش استخراج شدند. توثیتهای این سیاست‌مداران پیرامون برجام از ابتدای ژانویه ۲۰۱۵ تا انتهای دسامبر ۲۰۱۹ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تعداد توثیتهای استخراج‌شده پیرامون برجام به بیست مورد می‌رسد که از این تعداد ده مورد مربوط به جمهوری خواهان و ده مورد مربوط به دموکرات‌ها است.

کیفیت بررسی توثیتهای با روش تحلیل مضمون نیز در قالب جدول و توضیحات پس از آن آمده است. در این جدول ابتدا نام حزب درج شده است و سپس محتوای ترجمه‌شده توثیت به صورت عبارت آمده است. سعی شده است محتوای ترجمه‌شده دقیق و صحیح باشد. در ادامه مضامینی که از محتواها در سه نوع پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج و برداشت شده‌اند آمده و در قسمت انتهایی جدول، سوگیری درباره موضوع مورد پژوهش یعنی برجام آورده شده است. طبیعی است سوگیری می‌تواند مثبت، منفی یا خنثی باشد. پس از جدول نیز متناسب با مضامین استخراج‌شده و سوگیری‌ها تحلیل مضامین انجام پذیرفته است. در شکل زیر مراحل انجام پژوهش متناسب با روش مشخص شده است:



نمودار ۱. تحلیل مضمون مقایسه‌ای میان مواضع دو حزب در توئیتر

بررسی تطبیقی مواضع دو حزب پیرامون برجام در بستر توئیتر

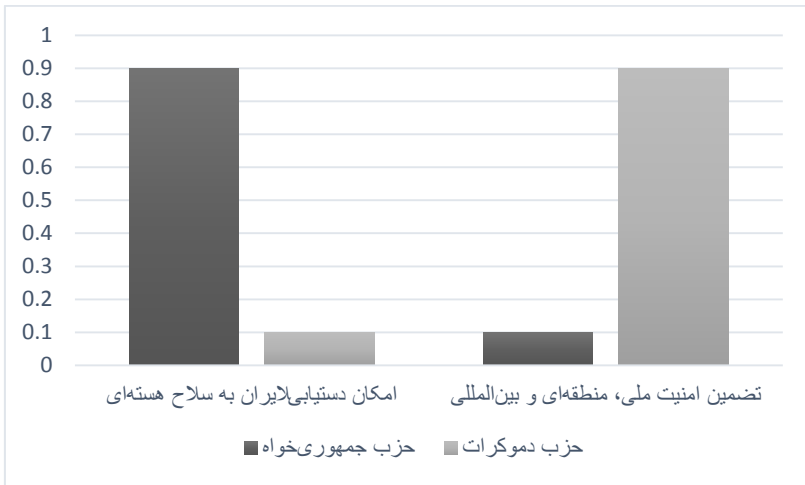
در ادامه مضامین شخصیت‌های برجسته دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در توئیتر در خصوص برجام در قالب جدول و نمودار می‌آید و سپس موضع‌گیری توئیتری این احزاب تحلیل می‌شود.

جدول ۳. تحلیل مضمون مقایسه‌ای میان مواضع دو حزب در توئیتز

سوگیری	مضامین			محتوا	حزب
	فراگیر	سازمان دهنده	پایه		
منفی	شکست برجام در مهار ایران و هسته‌ای و نظامی	دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و افزایش توانمندی نظامی	تسریع در دستیابی ایران	ناتوانی در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای	جمهوری خواه
			بالارفتن ذخایر اورانیوم	ادعای ایران مبنی بر بالا بودن غیرمنتظره ذخایر اورانیوم پس از تأیید توافق هسته‌ای توسط دموکرات‌ها	
			غنی‌سازی مخفیانه اورانیوم	افزایش غنی‌سازی اورانیوم به‌صورت مخفیانه توسط ایران	
			افزایش توان نظامی	افزایش چهل درصدی بودجه نظامی ایران بعد از توافق هسته‌ای در دوران اوباما	
			هموار کردن دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و نجات ایران از شرایط دشوار توسط توافق هسته‌ای در دوران اوباما	هموار کردن مسیر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و نجات ایران از شرایط دشوار توسط توافق هسته‌ای در دوران اوباما	
			عدم توقف برنامه هسته‌ای	ضعف برجام در توقف برنامه هسته‌ای ایران	
			اجماع مردم آمریکا در ناتوانی برجام در جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای	اشتراک نظر آمریکایی‌ها در لزوم ممانعت ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای و بد بودن	

سوگیری	مضامین			محتوا	حزب
	فراگیر	سازمان دهنده	پایه		
		کاهش امنیت داخلی و بین المللی		برجام در این زمینه	
			تأمین مالی تروریسم	پولشویی و تأمین مالی تروریسم؛ دو پیامد توافق هسته‌ای	
			تضعیف امنیت آمریکا و متحدان آن	پیامدهای امنیتی منفی برای آمریکا و متحدانش	
			مماشات با ایران	معرفی برجام به عنوان راهبرد مماشات اوپاما با ایران	
مشیت	موفقیت برجام در مهار ایران هسته‌ای	ضمانت اجرای متنوع و قوی	فرصت کافی در صورت نقض توافق	وجود فرصت کافی برای پاسخ در صورت نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران	دموکرات
			انگیزه‌های قدرتمند ایران	وجود انگیزه‌های قدرتمند برای ایران جهت حفظ تعهدات خود	
			امکان بازگشت تحریم‌ها در صورت نقض توافق	امکان بازگشت تحریم‌ها در صورت نقض توافق از سوی ایران در دهه آینده	
			کنترل قوی برنامه هسته‌ای ایران با انعقاد قرارداد وین	قرار گرفتن کنترل‌های قابل تأیید بر برنامه هسته‌ای ایران به واسطه انعقاد قرارداد وین	
			مقایسه توافق با اقدام نظامی و	جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بدون توسل به	

سوگیری	مضامین			محتوا	حزب
	فراگیر	سازمان دهنده	پایه		
		ترجیح آن		جنگ	
			دوام بیشتر توافق هسته‌ای نسبت به اقدام نظامی	ایجاد تأخیر بادوام‌تر توسط توافق هسته‌ای در مقایسه با اقدام نظامی	
		عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای	جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای	جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و لزوم حمایت کنگره از آن	
			مسدود شدن فرایند دستیابی به سلاح هسته‌ای	بسته شدن تمامی مسیرهای ایران به سمت مواد شکافت-پذیر کافی برای یک سلاح هسته‌ای	
		تضمین امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	کمک به امنیت بلندمدت منطقه	کمک توافق هسته‌ای به امنیت بلندمدت منطقه	
			تضمین امنیت آمریکا و متحدان	تضمین امنیت آمریکا و متحدان آن به ویژه اسرائیل در صورت اجرای توافق هسته‌ای با ایران	



نمودار ۲. مقایسه مواضع دو حزب

مطابق با جدول و نمودار بالا می‌توان مواضع دو حزب را در چند محور موضوعی با یکدیگر مقایسه کرد. اگرچه پیرامون برجام اختلافی جدی میان دو حزب وجود دارد؛ اما به معنای این نیست که دو حزب با یکدیگر شباهتی ندارند. بنابراین، در تحلیل مقایسه‌ای میان مواضع دو حزب نباید مسیر افراط را پیمود و تنها به تفاوت و اختلاف میان آن‌ها اشاره کرد. بر همین اساس نیز در ادامه به مواردی از شباهت میان دو حزب و سپس به تفاوت‌هایی که میان آن دو وجود دارد با رویکردی تحلیلی پرداخته خواهد شد:

مهار و کنترل ایران هسته‌ای به‌عنوان هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا مورد اتفاق دو حزب بوده و بارها از سوی اعضای شاخص دو حزب مورد تأکید قرار گرفته است. این موضوع را می‌توان از مواضعی که در جدول بالا به آن‌ها اشاره شده است، دریافت. عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، اعمال کنترل‌های مورد تأیید بر برنامه هسته‌ای ایران و بسته شدن تمامی مسیرهای ایران به سمت مواد شکافت‌پذیر کافی برای تولید سلاح هسته‌ای مثال‌هایی از اتفاق نظر دو حزب در راستای مهار و کنترل ایران هسته‌ای است.

تضمین امنیت آمریکا و متحدان آن به‌عنوان پیامدی مهم و اساسی دومین موردی است که باید به‌عنوان شباهت میان مواضع دو حزب مورد توجه قرار گیرد. از یکسو جمهوری‌خواهان برجام را به‌دلیل داشتن پیامدهای منفی امنیتی برای آمریکا و متحدانش به چالش می‌کشند و از سوی دیگر دموکرات‌ها آن را ضامن امنیت آمریکا و متحدانش مخصوصاً رژیم



صهیونیستی می‌دانند. نقطه مشترک این دو نوع موضع‌گیری تأکید دو حزب بر امنیت آمریکا و متحدان آن است که باید در سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار گیرد.

جمهوری خواهان ادعا می‌کنند که به واسطه برجام میلیاردها دلار پول برای ایران آزاد و این کشور مجدداً به سیستم مالی بین‌المللی متصل می‌شود. این دو امکان می‌تواند ایران را در پولشویی بیشتر و تأمین مالی تروریسم یاری رساند. این در حالی است که دموکرات‌ها برجام را ضامن امنیت منطقه در بلندمدت دانستند و معتقدند این توافق کنترل‌های مؤثری را بر برنامه هسته‌ای ایران برقرار می‌کند. بر همین اساس نیز تأمین مالی تروریسم از طریق برجام یکی از نقاط اختلاف میان دو حزب بوده است و در حالی که جمهوری خواهان آن را تأیید می‌کنند، دموکرات‌ها مخالف آن هستند.

جمهوری خواهان معتقدند ذخایر اورانیوم ایران پس از توافق هسته‌ای به صورت غیرمنتظره‌ای افزایش یافته و همین امر موجب نگرانی آنان شده است. این در حالی است که دموکرات‌ها بسته شدن تمامی مسیرهای ایران به سمت مواد شکافت‌پذیر کافی برای یک سلاح هسته‌ای را به عنوان دستاورد برجام عنوان کرده‌اند. نقطه اختلاف میان مواضع دو حزب به کارکرد ملموس برجام در زمینه افزایش توان هسته‌ای ایران بازمی‌گردد. جمهوری خواهان برای برجام اثر قابل توجهی در این زمینه قائل نیستند و افزایش ذخایر اورانیوم ایران بعد از این توافق را نشانه همین امر می‌دانند. این در حالی است که دموکرات‌ها برجام را در کاهش توان هسته‌ای ایران و به تبع آن، دستیابی به سلاح هسته‌ای کارا می‌دانستند و از آن حمایت می‌کنند. محور بعدی تفاوت میان دو حزب، به توانمندی یا ناتوانی برجام در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بازمی‌گردد. جمهوری خواهان در مواضع خود توافق هسته‌ای را در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ناتوان می‌دانند. این در حالی است که دموکرات‌ها به توافق هسته‌ای به عنوان مانع ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌نگرند و خواهان حمایت کنگره از آن هستند.

از دیگر نکاتی که در رویکرد حزب جمهوری خواه وجود دارد، معرفی برجام به عنوان راهبرد مامشات اوباما با ایران است. این امر بر اساس نظریه چشم‌انداز به عنوان چارچوب نظری در پژوهش حاکی از صورت‌بندی و روایت خاصی است که جمهوری خواهان را از دموکرات‌ها متمایز می‌کند. در حالی که دموکرات‌ها چنین ادعایی ندارند جمهوری خواهان هرگونه روابط دیپلماتیک را نفی می‌کنند و در چارچوب تحلیلی خود آن را نوعی مامشات با ایران می‌دانند.

نسبت میان برجام با تضمین امنیت آمریکا و متحدانش محور دیگری است که دو حزب را از یکدیگر متمایز می‌سازد. جمهوری‌خواهان برجام را توافقی نامطلوب می‌دانند و دلیل آن را داشتن پیامدهای امنیتی برای آمریکا و متحدانش عنوان می‌کنند. این در حالی است که دموکرات‌ها دقیقاً نقطه مقابل این دیدگاه را دارند و اجرای توافقی هسته‌ای را ضامن امنیت آمریکا و متحدان آن به‌ویژه رژیم اسرائیل می‌دانند.

از دیگر نکاتی که دموکرات‌ها در مواضع خود به آن اشاره کرده‌اند و می‌توان به‌صورت ضمنی به تفاوت میان رویکرد آن‌ها با جمهوری‌خواهان پی برد، مقایسه میان ابزار نظامی و توافق است. از منظر دموکرات‌ها توافقی هسته‌ای راه‌حلی است که می‌توان به وسیله آن بدون توسل به اقدام نظامی، ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازداشت. این در حالی است که جمهوری‌خواهان در مواجهه با ایران بیشتر بر رویکردی تهاجمی و نظامی تأکید داشته‌اند و انعقاد توافقی را در این زمینه کارآمد نمی‌دانند.

هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه از اطلاق واژه‌هایی مانند معاهده یا موافقت‌نامه به برجام خودداری کرده‌اند که حاکی از غیرالزام‌آور تلقی کردن برجام از سوی دو حزب است.

نتیجه‌گیری

مطابق با آنچه در بخش‌های قبلی بیان گردید، می‌توان نکاتی را به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطرح کرد. بخشی از این نکات تحلیلی است و می‌تواند به روشن شدن ابعاد از موضوع یاری رساند. بخشی دیگر نیز شامل پیشنهادهایی می‌شود که بر اساس پژوهش حاضر می‌توان به آن‌ها دست یافت. در ادامه این نکات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مواضع بررسی شده حاکی از شباهت و اتفاق نظر دو حزب در سطح سیاست‌ها و راهبردها است. تفاوت میان دو حزب به سطح راهکارها و تاکتیک‌ها بازمی‌گردد. اساساً تاکتیک‌ها بر خلاف سیاست‌ها و راهبردها مقطعی و موقت بوده و عوامل زیادی می‌تواند آن‌ها را تغییر دهد. فهم تفاوت تاکتیکی میان دو حزب آمریکا این امکان را به ایران می‌دهد تا در موضوعاتی نظیر توافقی هسته‌ای آن را بلندمدت نبیند. از این رو اگرچه ایجاد ضمانت اجرایی حقوقی و سیاسی امری لازم به نظر می‌رسد؛ اما تضمینی در پابندی آمریکا به این توافق وجود ندارد. این فهم باعث می‌شود ایران سرمایه‌گذاری زیادی بر روی برجام نکند و در صورت لزوم به سایر گزینه‌ها بیندیشد. در واقع برجام را می‌توان تاکتیک موقتی حزب دموکرات محسوب نمود که در دوران اوباما مورد استفاده قرار گرفته است و در زمان ترامپ



آمریکا از آن خارج شده است. علت این موضوع نیز فهم تاکتیکی برجام از سوی دو حزب است که گرچه در نگاه هر کدام از آن‌ها اولویت متفاوتی پیدا می‌کند؛ اما سطح تاکتیکی آن مورد توجه هر دو حزب بوده و در صورت لزوم به سایر گزینه‌ها نیز می‌اندیشند.

جایگاه توئیت در دیپلماسی عمومی مخصوصاً از دوران ترامپ بسیار برجسته شده است. بر همین اساس نیز به نظر می‌رسد نمی‌توان در بررسی دیپلماسی عمومی یک کشور مخصوصاً آمریکا توئیت را نادیده گرفت. این امر به دلایلی از جمله ارتباط افکار عمومی با این بستر مجازی، امکان استفاده از این بستر در زمانی کوتاه و کوتاه بودن محتوای آن، مورد استفاده گسترده مخصوصاً از سوی سیاستمداران قرار می‌گیرد.

ماهیت غیررسمی و عمومی توئیت این امکان را به کاربر خود می‌دهد تا بتواند بدون محدودیت و در گستره وسیعی چارچوب‌های فکری و تحلیلی خود را بیان کند. بر همین اساس نیز می‌توان مطابق با نظریه چشم‌انداز که مبتنی بر صورت‌بندی مسائل و موضوعات بین‌المللی از منظر سیاستمداران است از طریق این بستر به مقصود رسید. همین موضوع است که باعث شده اختلافات در توئیت برجسته شود و کاربران بدون محدودیت دیدگاه‌های خود را بیان کنند.

از دیگر آثار و فواید کاربرد نظریه چشم‌انداز در موضوع مورد بررسی تناسب زیاد آن با نظام سیاسی آمریکا است. در این نظام سیاسی افراد نقشی مهم در مناسبات حزبی داشته و لازمه به‌دست آوردن مواضع حزبی بررسی مواضع افراد مؤثر در آن حزب است. بر همین اساس نیز نظریه چشم‌انداز کاربردی فراوان در این حوزه داشته و نتایج مهمی به ارمغان می‌آورد.

شکاف میان رویکرد دو حزب جمهوری خواه و دموکرات پیرامون برجام به کیفیت صورت‌بندی مسائل و نوع نگاه آن‌ها به نظام بین‌الملل بازمی‌گردد. این امر دو نوع رویکرد را پیرامون برجام شکل می‌دهد و از عوامل مختلف فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشأت می‌گیرد.

مواضع توئیتی دو حزب را می‌توان در حوزه دیپلماسی عمومی مورد توجه قرار داد. هدف از اعلام مواضع و اختلافات حزبی در این بستر، تأثیرگذاری بر افکار عمومی در راستای تحقق اهداف یا اقناع افکار عمومی پیرامون اقدام انجام گرفته است. با توجه به این موضوع، مواضع حزب دموکرات با هدف اقناع افکار عمومی و مواضع حزب جمهوری خواه با هدف ایجاد سؤال برای افکار عمومی پیرامون برجام صورت پذیرفته است.

ابزارهای مختلفی را می‌توان برای فشارآوری سیاسی در راستای تحقق خواسته و هدف مورد نظر برشمرد. امروزه با توجه به اهمیت افکار عمومی استفاده از ابزارهای رسانه‌ای جهت فشارآوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توثیر به‌عنوان رسانه‌ای مهم در این زمینه قابل استفاده بوده است و مخصوصاً جمهوری‌خواهان از آن در این جهت استفاده شایانی به عمل آورده‌اند؛ اگرچه فشارآوری خود را محدود به توثیر نکرده و از سایر ابزارها نیز استفاده کرده‌اند. ایجاد سؤال، ابهام و اشاره به واقعیتی مشخص با هدف نفی مشروعیت و کارآمدی برجام از جمله اقداماتی است که توسط جمهوری‌خواهان انجام پذیرفته است.

اولویت استفاده از قدرت سخت و سیاست خارجی تهاجمی را با توجه به مواضع بررسی شده می‌توان از ویژگی‌های حزب جمهوری‌خواه برشمرد. در مقابل، اولویت حزب دموکرات استفاده از قدرت نرم بوده و بیشتر سیاست خارجی تعاملی را درپیش می‌گیرد. این امر به معنای عدم استفاده حزب دموکرات از قدرت سخت یا عدم استفاده حزب جمهوری‌خواه از قدرت نرم نیست، بلکه به معنای اولیوی است که دو حزب برای تاکتیک‌های خود در نظر می‌گیرند.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد بهره‌گیری ایران از این موضوع است. طبیعتاً زمانی که جمهوری‌خواهان در مناصب سیاسی مهم مانند ریاست جمهوری قرار می‌گیرند، لازم است ایران بیشتر بر ابعاد امنیتی و نظامی تأکید کند. مقصود از تأکید بر ابعاد امنیتی و نظامی، آمادگی کامل جهت مقابله با اقدامات احتمالی آمریکا در این زمینه است که در دوران جمهوری‌خواهان بیشتر بر آن‌ها تأکید می‌شود. در مقابل هنگامی که دموکرات‌ها در این مناصب قرار می‌گیرند، رویکردهای دیپلماتیک و حقوقی می‌تواند بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. البته در هر دو زمان لازم است تاکتیک‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد؛ اما در اولویت‌دهی به آن‌ها باید میان مواجهه با دو حزب متفاوت عمل کرد.

امروزه نمی‌توان سیاست خارجی یک کشور را تنها از بستر رسمی و دیپلماتیک آن رصد کرد. این موضوع اگرچه در چند دهه اخیر روشی مناسب و انحصاری برای فهم سیاست خارجی کشورها بوده است؛ اما در شرایط کنونی مناسب نبوده و لازم است سیاست خارجی یک کشور را در مجموعه‌ای از بسترها، ساختارها و ابزارها جستجو نمود. بر همین اساس نیز سیاست خارجی ایالات متحده از این قاعده مستثنا نبوده و باید ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار گیرد. این امر پیرامون سیاست خارجی آمریکا به عنوان یک ابرقدرت در نظام بین‌الملل که سعی در



راهبری کشورها و سیاست بین‌الملل دارد و در استفاده از ابزارهای مختلف مخصوصاً دیجیتال جزء پیشگامان است اهمیت خاصی پیدا می‌کند.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای و کاربردی

با توجه به مواردی که در بخش‌های قبلی به آن‌ها اشاره گردید پیشنهاد‌های زیر مطرح می‌شود: بر اساس یافته‌های این مقاله، شبکه پرس‌تی‌وی، مستندی تحت عنوان بازنمایی توافق هسته‌ای در توئیتر بسازد و در آن به ارائه و تحلیل توئیتهای مقامات ایرانی و آمریکایی که مسئولیت مستقیم در حوزه توافق هسته‌ای نداشتند بپردازد. در این زمینه سعی شود از توئیتهای افرادی که در حوزه توئیتر فعال تر و شناخته‌شده‌تر هستند، استفاده شود. با توجه به ویژگی‌های خاص توئیتر، رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی صداوسیما، بیش از پیش از توئیتر برای اطلاع‌رسانی استفاده کنند. گزارشی پیرامون شخصیت سیاسی ترامپ و نقش وی در شکل‌گیری توئیپلماسی تدوین و پخش گردد.

مستندی تحت عنوان خروج از برجام با محوریت اسناد و مدارک رسانه‌ای تهیه شود و در آن به بدعهدی آمریکا در این حوزه اشاره گردد. وزارت امور خارجه رصد و گزارش دیپلماسی عمومی آمریکا را تقویت کند و با انتشار نظام‌مند اسناد و گزارش‌های مرتبط بیش از پیش به غنی شدن تحلیل‌ها در این حوزه یاری رساند. وزیر امور خارجه و معاون سیاسی وی که مسئول ارشد مذاکرات هسته‌ای است می‌توانند از توئیتر بیش از پیش استفاده کنند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

پیشنهاد‌های پژوهشی زیر مبتنی بر مقاله حاضر قابل ارائه است: نقش دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا؛ مطالعه تطبیقی دوران ریاست جمهوری باراک اوباما و دونالد ترامپ بررسی تطبیقی مواضع توئیتری احزاب جمهوری خواه و دموکرات آمریکا پیرامون خروج یک-جانبه دونالد ترامپ از برجام تحلیل مضمون روایت‌های متعارض جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در بستر توئیتر پیرامون روند و کیفیت انعقاد برجام

منابع و مأخذ منابع فارسی

اخوان، بهار، عنایت‌الله یزدانی و علی امیدی (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، سال هشتم، شماره دوم، صص ۲۰۱-۲۲۶.

اسماعیلی، مصطفی و ولی‌الله نوری (۱۴۰۰)، «سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دمکرات‌ها»، **فصلنامه علمی سیاست جهانی**، سال دهم، شماره چهاردهم، صص ۲۵۹-۲۸۴.

اسمیت، استیو، امیلیا هدفیلد و تیم دان (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی؛ نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی**، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: انتشارات سمت، جلد اول، چاپ اول.

آران، آمون و کریس آلدن (۱۳۹۳)، **رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی**، ترجمه سید امیر نیاکویایی، مهدی زیبایی و رضا درویشی زانوس، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

آلبرایت، مادالین (۱۳۷۹)، «متن سخنان در کنفرانس روابط ایران و آمریکا»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۲۱: ۱۷۲-۱۶۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.

رضایی، علیرضا و حسین نعمتی (۱۳۹۵)، **رویکرد احزاب ایالات متحده به ایران**، تهران: نشر رازآور، چاپ اول.

رئیس طوسی، رضا (۱۳۷۹)، **فرایند نادیده‌گرفته‌شده سیاست‌گذاری خارجی**، از کتاب **مجلس ششم، بیم‌ها و امیدها**، گردآورنده سعید مدنی، تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.

سعیدزاده، سهیر، مهناز گودرزی و فائزه تقی‌پور (۱۴۰۰)، «تحلیل مضمون توثیق‌های ترامپ درباره برجام به منظور ارائه الگوی دیپلماسی توثیقی ترامپ»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، شماره چهارم: صص ۲۳۹-۲۱۳.

سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ‌نشین (۱۳۸۸)، «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره چهارم: صص ۴۳-۶۱.

دیپلماسی دیجیتال: بررسی تطبیقی مواضع احزاب جمهوری خواه و دموکرات ... ۱۰۵



عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخزاده (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»،

دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، شماره دوم: صص ۱۹۸-۱۵۱.

فرهنگی، علی‌اکبر، علیرضا قرائتی و حسن کربلایی حاجی اوغلی (۱۳۹۳)، «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، شماره بیست و چهارم: صص

۸۹-۹۹

قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سید علی منوری، غلامرضا کریمی و مهرداد فلاح (۱۴۰۰)، «تئودپلماسی؛

نقش توئیتر در پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ترامپ»، **فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی**

سیاست، سال دهم، شماره سی و هشتم: صص ۷۷-۴۳.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، **تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**،

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد دوم، چاپ اول.

یزدی، ابراهیم (بی‌تا)، **شصت سال صبوری و شکوری**، تهران: انتشارات کبیر، جلد دوم.

منابع انگلیسی

- A Green, James (2022), "The Rise of Twiplomacy and the Making of Customary International Law on Social Media", **Chinese Journal of International Law**, Vol. 21, No, 1, pp. 1-53.
- Attride-Stirling, J (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", **Qualitative Research**, Vol. 1, No, 3, pp. 385-405.
- Dumciuviene, Ausra (2016), "Twiplomacy: the Meaning of Social Media to Public Diplomacy and Foreign Policy of Lithuania", **Lithuanian Foreign Policy Review**, Vol 35, pp. 92-118.
- Duncombe, Constance (2017), "Twitter and transformative diplomacy: social media and Iran-US relations", **International Affairs**, Vol 93, pp. 545-562.
- Kafiliveyjuyeh, Soheil (2020), "Soft Power in the age of twitter diplomacy: A case study of the U.S. department of state and Donald Trump".
- King, N., and Horrocks, C (2010), Interviews in qualitative research, London: Sage.
- Namey, E., Guest, .. , Thairu, L. & Johnson, L (2007), "Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets", In Guest .. & MacQueen K. M. (Eds.), **Handbook For Team-Based Qualitative Research** (Pp. 137-162), United Kingdom: AltaMira Press.
- Nurul Amirah Binti Mohd, Yunos (2019), " Digital diplomacy : a Twitter breakthrough between Iran-US relations in the JCPOA agreement".
- Simunjak, Maja. & Caliendo, Alessandro (2017) "Twiplomacy in the age of Donald Trump: Is the diplomatic code changing?", **The Information Society; An International Journal**, Vol 35, No, 1, pp. 13-25.

- Smith, Steve and others (2008), **Foreign Policy, Theories, Actors, Cases**, New York: Oxford University Press, Second edition, 2012.
- Twiplomacy Study, (2018), Published at: [https:// twiplomacy.com/blog/twiplomacy-study-2018/](https://twiplomacy.com/blog/twiplomacy-study-2018/).
- W. Mansbach, Richard and L. Rafferty, Kirsten (2008), Introduction to Global Politics, New York: Routledge, First edition.



ضمائم

معرفی اعضا

حزب جمهوری خواه

دونالد جان ترامپ (Donald John Trump): چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی

جیمز ریش (James Risch): نماینده مجلس سنای آمریکا و رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در کنگره صد و شانزدهم از سوم ژانویه ۲۰۱۹ تا سوم ژانویه ۲۰۲۱ میلادی

رابرت فیلیپس باب کورکر جونیز (Robert Philips Corker Jr): رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در کنگره صد و چهاردهم از سوم ژانویه ۲۰۱۵ تا سوم ژانویه ۲۰۱۷ میلادی

جان بونر (John Boehner): شصت و یکمین رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا از پنجم ژانویه ۲۰۱۱ تا بیست و نهم اکتبر ۲۰۱۵ میلادی

رافائل ادوارد تدکروز (Rafael Edward Cruz): نماینده مجلس سنای آمریکا و عضو کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در کنگره صد و شانزدهم از سوم ژانویه ۲۰۱۹ تا سوم ژانویه ۲۰۲۱ میلادی

حزب دموکرات

باراک حسین اوباما (Barack Hussein Obama): چهل و چهارمین رئیس جمهور آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ میلادی

جان فوربز کری (John Forbes Kerry): وزیر امور خارجه آمریکا در دوران اوباما از یکم فوریه ۲۰۱۳ تا بیستم ژانویه ۲۰۱۷ میلادی

هیلاری کلینتون (Hillary Diane Rodham Clinton): وزیر امور خارجه آمریکا در دوران اوباما از بیست و یکم ژانویه ۲۰۰۹ تا یکم فوریه ۲۰۱۳ میلادی

توثیقات‌های مطالعه شده

1. John Andrew Boehner, twitter, 7/9/2015: President Obama's #IranDeal fails to shut off #Iran's path to a nuclear weapon.
2. John Andrew Boehner, twitter, 15/9/2015: After Democrats OK #IranDeal... RT @Reuters: Iran says finds unexpectedly high uranium reserve.
3. Donald Trump, twitter, 10/7/2019.
4. Donald Trump, twitter, 12/5/2018: Iran's Military Budget is up more than 40% since the Obama negotiated Nuclear Deal was reached...just another indicator that it was all a big lie. But not anymore.
5. Donald Trump, twitter, 22/6/2019.
6. James Risch, twitter, 9/5/2018: Instead of stopping Iran's nuclear program, the #IranDeal simply gave the regime a direct path to obtaining a nuclear weapon

- but at a slower pace. That was not acceptable. I support @POTUS' decision to withdraw from the #IranDeal.
7. Bob Corker, twitter, 13/1/2018: I think all Americans share the goal of stopping Iran from obtaining a nuclear weapon. Those who opposed implementation of the JCPOA, including myself and the president, opposed it because we believed it was a bad agreement. Before us now is an opportunity to do better.
 8. Ted Cruz, twitter, 14/12/2018: The Obama Iran nuclear deal gifted the Ayatollahs with hundreds of billions of dollars and reconnected them to the global financial system, which they used launder even more money and fund even more terrorism.
 9. John Andrew Boehner, twitter, 22/9/2015: This is a bad #IranDeal with decades-long consequences for the security of the American people & our allies.
 10. Kevin McCarthy, twitter, 23/11/2016: President Obama should acknowledge that the American people resoundingly rejected his strategy of appeasement towards #Iran.
 11. Barack Obama, twitter, 5/8/2015: "If Iran violates this deal, we will have ample opportunity to respond." —President Obama #IranDeal.
 12. Barack Obama, twitter, 5/8/2015: "Iran has powerful incentives to keep its commitments." —President Obama #IranDeal.
 13. Barack Obama, twitter, 5/8/2015: "If Iran violates the agreement over the next decade all of the sanctions can snap back in to place." —President Obama #IranDeal.
 14. John Kerry, twitter, 22/7/2015: The multinational Vienna deal places verifiable controls on #Iran's nuclear program. Learn more, follow @TheIranDeal.
 15. Barack Obama, twitter, 5/8/2015: "Now we have before us a solution that prevents Iran from obtaining a nuclear weapon without resorting to war." —President Obama #IranDeal.
 16. John Kerry, twitter, 30/7/2016: As @Martin_Dempsey said, @TheIranDeal provides more durable delay than military action in preventing nuclear bomb for #Iran.
 17. John Kerry, twitter, 23/7/2015: @TheIranDeal helps the world by preventing #Iran from getting nuclear weapon. It deserves the support of Congress.
 18. John Kerry, twitter, 17/1/2016: Each of the pathways #Iran had toward enough fissile material for a nuclear weapon has been verifiably closed down.
 19. John Kerry, twitter, 4/8/2015: Good discussion w/#GCC Council – we agreed fully-implemented @TheIranDeal contributes to region's long-term security.
 20. Hillary Clinton, twitter, 17/9/2015: America and our allies—especially Israel—will be safer if we enforce the nuclear agreement with Iran.